

معلمان بزرگ ایران



شیخ عباسعلی اسلامی، روحانی روشن اندیشی بود که در دهه‌ی ۲۰، با تأسیس جامعه‌ی تعلیمات اسلامی، بنیان‌گذار یا عامل تأسیس نزدیک به دویست مدرسه، طی سه دهه، در تهران و شهرستان‌ها شد و از این راه خدمت بزرگی به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان ایران کرد. از این روی، به حق باید وی را «پدر مدارس نوین اسلامی» دانست.

عباسعلی اسلامی در سبزوار متولد شد. پدرش از ترکان قشقایی فارس و مادرش بانویی از بزرگان ایل بختیاری بود که در زمان فتحعلی‌شاه به سبزوار تبعید شده بودند. پس می‌توان اسلامی را فرزندی از عشایر ایران به حساب آورد. او کودکی بسیار با استعداد بود. در پنج سالگی به مکتب رفت و در شش سالگی گلستان سعدی را آموخت و پس از تحصیلات اولیه، به حوزه‌ی علمیه‌ی سبزوار رفت. در نوجوانی سفری به مشهد داشت که در رشد شخصیت او بسیار تأثیر نهاد و چون به سبزوار بازگشت، برای کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان، کلاس‌های آموزش عقاید و قرآن و احکام برگزار کرد.

اسلامی در جوانی دوبار به سفر حج رفت که یکبار آن از طریق مشهد، زاهدان، کراچی، جدّه و با شتر، قطار و کشتی بود. وی در سفری که به عتبات داشت، تصمیم گرفت در همان‌جا به تحصیل ادامه دهد. از این رو، به مدت هفت سال در شهر سامرا تحصیل کرد و سرانجام به علت تنگی معیشت به سبزوار بازگشت. اما به‌زودی بار دیگر عزم سفر کرد و این بار به طرف شرق رفت و سر از هندوستان درآورد. سفر او به هندوستان - که هنوز به استقلال نرسیده و مستعمره‌ی انگلستان بود - در پی آشنایی او در نجف با یکی از علمای هند به نام **نجم‌العلماء** انجام شد. که در شهر لکنه‌وی هند مدرسه‌ای به نام «مدرسه الواعظین» تأسیس کرده بود. این سفر باعث شد اسلامی سال‌های متمادی در شهرهای رامپور، مدرس، کلکته و به‌ویژه در شهر رانگون، پایتخت برمه (میانمار امروز) به سیر و سیاحت و تبلیغ مسائل اسلامی بپردازد. اسلامی سرانجام از هند به مشهد آمد و در این شهر مستقر شد و این در اواخر دوره‌ی پهلوی اول و آغاز جنگ جهانی دوم بود. پس از چند سال، ماندن در مشهد را به صلاح خود ندید و قصد اقامت در تهران کرد و رخت سفر به سوی این شهر بست.

در این‌جا لازم است برای شناخت بهتر شخصیت و اقدامات مهم شیخ عباسعلی اسلامی در ترویج فرهنگ اسلامی، نکته‌ای را بازگو کنیم. می‌دانیم که با واقعه‌ی مشروطه، بحران بزرگی جامعه‌ی دینی ایران و به‌ویژه حوزه‌های دینی را فراگرفت که یکی از شاخصه‌های آن، مسئله‌ی مدارس جدیدی بود که در آن‌ها علوم نوین تدریس می‌شد. در این زمینه، علما و روحانیون به دو دسته‌ی مخالف هم تقسیم شده بودند. عده‌ای به شدت مخالف مدارس جدید بودند تا جایی که یکی از علمای مشهور درباره‌ی این مدارس نوشته بود: «...بردن اطفال بی‌گناه که مواهب و ودایع الهیه‌اند به چنین کارخانه‌های بی‌دینی و اعانت و ترویج آن‌ها... از اعظم کبائر و محرمات و تیش‌ه‌زدن به ریشه‌ی اسلام است.» اما پس از شهریور ۱۳۲۰ این نگاه عوض شده بود و فراوان بودند کسانی از علما و روحانیون که باور داشتند باید از همین



شیخ عباسعلی اسلامی

جعفر ربانی



۱۳۶۴ - ۱۲۷۵

ابزار جدید برای رسیدن به اهداف دینی استفاده کرد. شیخ عباسعلی از این دسته، بلکه جزو پیشروان این حرکت بود.

باری، شیخ به تهران آمد و نخست «جمعیت پیروان قرآن» را تأسیس کرد که از اهداف دهگانه‌ی آن، یکی هم «تربیت اطفال و جوانان به آداب و سنن شرعی و اخلاق حسنه به وسیله‌ی آموزش و پرورش» بود؛ علاوه بر این که در برنامه‌های جامعه، به صراحت از تأسیس مدرسه‌هایی در تهران نیز سخن گفته شده بود. وی در سال ۱۳۲۲، جامعه‌ی تعلیمات اسلامی را با هدف «ایجاد مدارس اسلامی، تأسیس کتاب‌خانه و انجام کارهای خیریه در تهران و سراسر کشور» به راه انداخت که تا چند دهه ادامه یافت و توانست مدرسه‌های بسیاری را در سراسر ایران تأسیس کند.

اسلامی به آموزش و پرورش دختران نیز اهمیت می‌داد و در همان سال‌های اول «مدرسه‌ی اسلامی دوشیزگان» را نیز در تهران تأسیس کرد که سبب شد بسیاری از دانش‌آموزان دختر از مدرسه‌ی دولتی ایران به این مدرسه بیایند. کار اسلامی با مشکلات بسیاری روبه‌رو شد. علاوه بر مخالفان دولتی، پاره‌ای از متدینین هم به او روی خوش نشان نمی‌دادند و مثلاً به او ایراد می‌گرفتند که چرا به جای کلمه‌ی «اتاق» از «کلاس» و از کلمه‌ی «پروگرام» (به معنای برنامه، آن زمان هنوز برنامه مصطلح نشده بود) استفاده می‌کند. اما اسلامی این‌ها را تحمل کرد و با همکاری هم‌فکران و یاران صادقی که یافته بود، راه خود را ادامه داد.

در دهه‌ی ۳۰ به تأسی از اسلامی بود که حجت‌الاسلام **علی اصغر علامه کرپاسیچیان**، مدرسه‌ی علوی را در تهران تأسیس کرد که آن هم در تأثیرگذاری بر جامعه، دست کمی از جامعه‌ی تعلیمات اسلامی نداشت. مدارس جامعه به زودی در سراسر کشور گسترش یافتند، به طوری که در سال ۱۳۲۹، تعداد آن‌ها ۱۳۲۴ باب بود و در سال ۱۳۵۶، در آستانه‌ی انقلاب اسلامی، به گزارش ساواک، تعداد آن‌ها به ۱۸۳ باب رسید. این مدارس مورد تأیید علما و مراجعی چون آیت‌الله **بروجردی**، آیت‌الله **حکیم**، امام **خمینی** و دیگران نیز بود. هم‌چنین شخصیت‌هایی مانند **علامه طباطبایی**، **محمدجواد باهنر** و **علی گلزاده غفوری**، در تألیف کتاب برای جامعه همکاری می‌کردند.

تأثیر کار شیخ عباسعلی اسلامی به گونه‌ای بود که وی در خاطراتش می‌نویسد: «خوب به خاطر دارم که مبلغ ۵۰ تومان از سوی یکی از یهودیان شهر کرمانشاه به جامعه اهدا گردید. دوستان ما از فرد مذکور پرسیدند چه سبب شده است که تو این وجه را به مدارس مسلمین اهدا کنی، در حالی که نه می‌توانی انگیزه‌ی اجرا خروبی داشته باشی، زیرا مسلمان نیستی، و نه بهره‌ی دنیوی، چرا که فرزندت در این نوع مدارس پذیرفته نخواهد شد؟ وی پاسخ داده بود: آری چنین است که می‌گویند. اما اگر مدارس مسلمین آباد شود و نسل آینده به ادب و تربیت صحیح مؤدب گردد، فرزندان من نیز که ناگزیر با این نسل معاشر و مصاحب خواهد بود، از حسن تربیت و آداب نیکو بهره‌مند خواهد شد.» نکته‌ی قابل توجهی که مرحوم اسلامی نیز خود بدان توجه داده، این است که مدارس جامعه، دانش‌آموزان را گزینش نمی‌کردند؛ یعنی آن‌ها را براساس ترجیحات و امتیازاتی مانند طبقه‌ی شغلی، درآمد خانوادگی، استعدادهای خاص تحصیلی

و مانند این‌ها که امروز بسیار رایج است، نمی‌پذیرفتند و لذا مدارس واقعاً مردمی بودند و احتمالاً بازدهی و بهره‌دهی آن‌ها را بتوان از نظر اجتماعی و تربیتی مطلوب‌تر دانست.

شیخ عباسعلی، تنها مرد فرهنگ و تعلیم و تربیت نبود، بلکه واعظی روشن‌نگر و مردی سیاسی و مبارز نیز بود. بارها احضار و دستگیر شد و به زندان و تبعید رفت، اما هم‌چنان تا آخر عمر نستوه ماند و سرانجام در سن ۸۹ سالگی در سال ۱۳۶۴ درگذشت. کتاب خاطرات او که در سال ۱۳۷۳، بانام «طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق» منتشر شد، کتابی خواندنی و درسی برای زندگی، به‌ویژه برای علاقه‌مندان به مباحث تعلیم و تربیت اسلامی است.

در اوایل امسال، به مناسبت بزرگداشت شصت و هفتمین سالگرد تأسیس مدارس جامعه‌ی تعلیمات اسلامی و هم‌زمان با مبعث رسول گرامی اسلام، مراسمی با حضور جمعی از مسئولان و اعضای جامعه‌ی تعلیمات اسلامی، دانش‌آموختگان، مدیران و تعدادی از دانش‌آموزان مدارس وابسته به جامعه‌ی تعلیمات اسلامی، در سالن اجتماعات "دبیرستان دخترانه‌ی رضویه"، واقع در خیابان شهید باهنر تهران، برگزار شد.

در ابتدای مراسم، **سید حسین میرمحمدصادقی**، مدیرعامل جامعه، به ایراد سخن‌رانی پرداخت. وی گفت: با وجود این که ۶۷ سال از تأسیس جامعه می‌گذرد و با وجود خدمات گسترده‌ای که این نهاد فرهنگی در سطح کشور انجام داده، ولی نسبت به سایر نهادها، در بین مردم ناشناخته باقی مانده است. خیلی از مدرسه‌ی که پس از جامعه شکل گرفته‌اند، بین مردم شناخته‌تر هستند.

"وی هم‌چنین اظهار داشت، ما با تأسیس چنین مدرسه‌ی، هم به جنگ جهل رفته‌ایم و هم به جنگ بیماری، بیکاری و فقر". در این مراسم، برای نخستین بار سرود رسمی جامعه‌ی تعلیمات اسلامی را دانش‌آموزان اجرا کردند که با استقبال حضار روبه‌رو شد.

در پایان مراسم، با حضور **حجت‌الاسلام شریف مهدوی** و **علی اکبر رئوف**، از مؤسسان مدارس جامعه‌ی تعلیمات اسلامی در یزد، **دکتر آیت‌اللهی**، رئیس سابق سازمان ثبت اسناد و از دانش‌آموختگان قدیمی جامعه، **حجت‌الاسلام علی رضا اسلامی**، فرزند مرحوم اسلامی و **حاج شیخ محمدتقی رهبر**، میزگردی برگزار شد و هر یک از ایشان، به بیان خاطرات خود از مدارس اسلامی و ابعاد شخصیتی مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی پرداختند. هم‌چنین، آقای رئوف، در مورد مجتمع آموزشی سیدالشهدای یزد گزارشی ارائه داد و گفت: در حال حاضر حدود ۵۱۰۰ دانش‌آموز در این مجتمع به تحصیل مشغول‌اند که این تعداد نزدیک به ۴۹ درصد از کل دانش‌آموزان مدارس جامعه را تشکیل می‌دهد.

منابع

۱. حمید کریمی‌پور. جامعه‌ی تعلیمات اسلامی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران، ۱۳۸۰.
۲. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضاشاه تا پیروزی انقلاب اسلامی. رسول جعفریان. چاپ نهم، خانه‌ی کتاب. تهران، بهمن ۱۳۸۷.
۳. طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق. خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی. چاپ دوم، چاپ‌ونشر بنیاد بعثت‌تهران، ۱۳۸۴.

شیخ عباسعلی، تنها مرد فرهنگ و تعلیم و تربیت نبود، بلکه واعظی روشن‌نگر و مردی سیاسی و مبارز نیز بود. بارها احضار و دستگیر شد و به زندان و تبعید رفت، اما هم‌چنان تا آخر عمر نستوه ماند